

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شباهنگ راد

۲۸ سپتمبر ۲۰۱۳

## "انسان دوستی سرمایه، ریاکارانه است"

سرمایه‌داران دنیا را به لجن کشیده‌اند. مردم را به بازی گرفته‌اند. ثروت جامعه را در دستان خود قبضه نموده‌اند و از هر آنچه که اندوخته‌اند و دارند، راضی نیستند. به زندگانی و به چهره در هم ریخته مردم نگاهی بیندازیم، در آن چیزی جز دردناکی و افسردگی نمی‌یابیم. به تصاویر مخابره شده توسط بلندگوهای امپریالیستی زوم شویم، تا دریابیم که چگونه دسته دسته از مردان، زنان، جوانان و کودکان، توسط جانپان بشریت، تلف، و له و لورده می‌شوند. زندگی در این دنیا برای مردم، بی‌معنا و به‌مانند مرگ تدریجی‌ست و در حقیقت مردم، زندگان، مرده‌اند.

متأسفانه در این دنیای هفت میلیاردی، بیش از یک میلیارد آن محتاج آب‌اند. نزدیک به یک میلیارد دیگر آن دچار سوءتغذیه‌اند و مرگ و میر روزانه کودکان هم، هزاران و هزاران است.... این آن دنیائی نیست، که جهان انسانی در پی و مدافع آن می‌باشد. این دنیا و مناسبات ردیف شده آن، بر ارزنده میلیاردها انسان محروم و کودکان نیست و به درد سوختن و دفن شدن می‌خورد. استثمار می‌کنند و اموال عمومی را به بیغما می‌برند، تنش به راه می‌اندازند و میلیون‌ها انسان را از خانه و کاشانه شان به دور می‌کنند و فضای رعب و وحشت و مرگ و میر را، جای‌گزین آسایش و آرامش می‌نمایند تا سیاست‌های ارتجاعی و ظالمانه خود را به پیش ببرند. فقر و دربدری و جنگ‌های دهشتناک امپریالیستی، همه‌جا را فرا گرفته است و علی‌رغم چنین وضعیت دردناکی، زمزمه‌های حمایت و تعرض بیش از این حاکمان به جوامع متفاوت و به زندگانی ناچیز مردم، از سوی به اصطلاح مدافعان جامعه انسانی به گوش می‌رسد. علی‌رغم اوضاع اسفبار زندگی، و علی‌رغم ناامنی شغلی و خسران‌های جنگی، کسانی را می‌توان یافت که مدافع تداوم هر چه بیشتر تخریبی زندگانی مردم و راه‌اندازی جنگی وسیع‌تر و گسترده‌تر از جانب قدرت‌مداران بین‌المللی‌اند.

خواباند و در حقیقت خود را به خواب زده‌اند و به دلیل منفعت حقیرشان، مجالی برای درک و فهم علل مصائب دست‌ساز زندگی برای کارگران و زحمت‌کشان و محرومان از جانب آنان نیست. حامی سرمایه‌اند و به دروغ خود را در کنار مردم قرار داده‌اند. چگونه می‌توان چنین دنیای بی‌رحمی را دید و برای قربانیان و استثمار شونده‌گان آن، حق و حقوقی قائل نشد؟ چگونه می‌توان یورش افسار گسیخته سرمایه‌داران بین‌المللی، به جان و مال میلیاردها انسان محروم را دید و نسبت به آن‌ها بی‌تفاوت بود؟ چگونه می‌توان جنگ‌های خون‌بار و خانمان‌سور را مشاهده نمود و آن‌ها را در زورق دفاع از انسانیت و حقوق بشری پیچید؟!

چنین چهره در هم ریخته و مأیوس‌کننده‌ای را می‌توان در این دنیا دید. آشوب و جنگ را سرمایه‌داران همگانی نموده‌اند و با قلدری تمام، می‌برند و می‌دوزند. نه تنها مردم این خطه و آن خطه را به حساب نیاورده و نمی‌آورند، بلکه دولت‌مردان وابسته را هم، ملعبه و بازیچه سیاست‌ها و منفعت‌های درازمدت‌تر خود قرار داده‌اند. نمونه زنده و تازه آن

سوریه و دولت آن می‌باشد. منفعت و دست‌اندازی چند سوئی قدرت‌مداران بزرگ جهانی را می‌توان، در پشت پرده و در پی مذاکرات رقابتی امپریالیستی و آن‌هم به بهانه "رفع" معضل سوریه و به اصطلاح مبارزه با سلاح‌های گشتار جمعی به‌عینه دید. این روزها دنیا به "ثمربخشی" و "بی‌ثمری" سیاست‌های بده و بستان، قدرت‌مداران بزرگ جهانی چشم دوخته شده است؛ دنیائی که تصمیم گیرندگان آن عده‌ای مفت‌خوار و منفعت‌طلب هستند، و دنیائی که، چرخش آن تضمین‌کننده منافع سرمایه‌داران بین‌المللی است.

به قول خویش یکی می‌خواهد اسد را به دلیل استفاده از سلاح‌های کیمیائی "تنبیه" نماید و دیگری، به دنبال تقویت اسد - در حقیقت - به‌منظور تداوم منافع خودی در این مملکت و مالیدن پوزه جناح‌های رقیب، از چنگ‌اندازی هر چه بیش‌تر حریم تحت کنترل خود، در این‌کشور می‌باشد. یکی از جنایت‌کاری‌های دولت سوریه و عبور آن از خط قرمزها سخن به‌میان می‌آورد، و دیگری از ددمنشی‌های مخالفان دولت و دیگر دسته‌جات مسلح و وابسته به سرمایه‌های بین‌المللی حرف می‌زند.... هر دو حقیقت است و آنچه در این میان آشکار نیست و وارونه به دنیای بیرونی معرفی می‌گردد، ماهیت حقیقی و درونی گردانندگان اصلی این‌نوع درگیری‌هاست.

به بیانی دیگر، ادعای سرمایه بر آن است که سیاست‌هایش در خدمت به سازندگی و تأمین جان و مال کارگران و زحمت‌کشان می‌باشد. بر این‌موضوع می‌گوید که مدافع حق و حقوق کودکان و آزادی و محترم شمردن به‌خواسته‌های اولیه مردمی است؛ اما و در مقابل چه کسی است که نداند مفاهیم و مضامین واژه‌هایی همچون تأمین دموکراسی و بشردوستی و محترم شمردن به حقوق پایه‌ای انسان‌ها، با خُلق و خوی حاکمان و قدرت‌مداران جهانی، کمترین سازگاری ندارد؛ چه کسی است که نداند، ندیده و یا نشنیده باشد که مردم افغانستان، لیبیا و غیره را، از چاله، به چاه بی‌انتها و مرگباری هُل داده‌اند و بیرون آمدن از آن، نیازمند کار بس عظیمی است؛ چه کسی است که نداند هدف سرمایه در این کشورها، به رسمیت شناختن حقوق انسانی و رفع نداری‌ها و بر چین زندان‌ها و فقر نبوده و نیست؛ چه کسی است که نداند هدف در این جوامع، ریشه‌کن نمودن بساط دیکتاتوری و نابودی جنگ و خون و خون‌ریزی، و ناامنی جانی و تعریف دنیائی جدا از دنیای استثمار و بردگی و کهن، نبوده و نیست.

آری، این‌ها اهداف حقیقی و کارکردهای سرمایه از یک‌طرف و ادعاها و وعده و وعیدهای دولت‌مردان بزرگ جهانی مبنی بر تضمین دموکراسی و زندگی بهتر برای جوامعی همچون عراق، افغانستان، لیبیا و غیره، از طرف‌دیگر بوده و می‌باشد؛ وعده و وعیدهایی که برای کودکان، کارگران، زحمت‌کشان، زنان و محرومان سوریه و آن‌هم در قالب اعطای دموکراسی و آزادی بسته‌بندی شده است، همان وعده و وعیدهایی که ثمربخشی آن‌ها را مردم سرتاسر جهان دارند، به عینه مشاهده می‌کنند.

پُر واضح است که سرمایه اساساً فاقد پتانسیل اعطای آزادی و دموکراسی و محترم شمردن به حقوق مردمی است. وظیفه‌اش استثمار میلیاردها انسان محروم و زحمت‌کش و همچنین باز تولید بحران اقتصادی و گستردگی نکبت‌باری برای سازندگان اصلی جوامع بشری است. به منفعت طبقه خودی می‌اندیشد و کاری به منافع مردمی ندارد. رشد و تکنولوژی و ابزار و آلات در چنین مناسباتی، در خدمت به بشریت نیست. از منظر سرمایه انسان ابزار و کالای سودده به حساب آمده و می‌باید تا آخرین نفس و تا پایانی عمر خود، بر سرمایه‌های طبقه حاکمه بیفزاید. همه‌جا چنین سیاستی را پیشه خود ساخته است و به وابستگی دیکته می‌کند و با ایجاد تنش و جنگ در این منطقه و در آن منطقه، بر سیاست‌هایش شتاب هر چه بیش‌تری می‌بخشد، و بدون کمترین تردیدی جنگ کنونی سوریه را هم می‌توان در چنین راستائی توضیح داد؛ جنگ و خانه‌خرابی‌هایی که دهه‌هاست بر زندگی مردم سرتاسر جهان و خاورمیانه سایه انداخته است و گام به‌گام، دامان دیگر کشورهای منطقه را در بر می‌گیرد.

فارغ از همه این‌ها و علی‌رغم ادعاهای سرمایه مبنی بر مبارزه با نداری و دیکتاتورها، یک موضوع را می‌توان با صراحت تمام تأکید نمود و آن این است که هدف سرمایه‌داران جهانی، نجات مردم از شر سلاح‌های گشنده و تضمین دمکراسی و آزادی نیست. چرا که می‌دانند گستردگی این نوع جنگ‌ها و گشتار، تضمین کننده دوام هر چه درازمدت‌تر منافع آنان، و همچنین اخلاص در روند و پای‌گیری انقلابات کارگری - توده‌نیست؛ می‌دانند که پرتاب بمب و راکت و همچنین استفاده از سلاح‌های کیمیائی، بر آوارگی هر چه بیشتر مردم می‌افزاید و می‌دانند که شعله‌ور نمودن هر چه بیشتر جنگ‌های کنونی، باعث ماندن مردم از جامعه و بازستانی حقوق پایمال شده و دیرینه‌شان می‌باشد؛ می‌دانند که اجرای چنین سیاست خانمان‌سوزی، جنبش‌های اعتراضی را به عقب می‌راند و از دامنه عروج سازمان‌های کمونیستی و انقلابی می‌کاهد.

مسلماً تجارب به‌جا مانده تاکنونی در خلاف چنین حکمی نیست و به دنباله آن‌ها میدین عراق، افغانستان، لیبیا و غیره نمایان‌گر این واقعیات است که حقوق مردم به میزانی گسترده‌تر، زیر پا گذاشته می‌شود و همچنین ناامنی جانی در ابعادی به‌مراتب وسیع‌تر، بر فضای جوامع جنگ‌زده، چنگ می‌اندازد و چشم‌اندازی از برون‌رفت آن‌ها نیست؛ نمایان‌گر این واقعیات است که چنین درگیری‌ها و جنگ‌هایی، نه تنها، درگیری و جنگ‌های مردم با حاکمان زورگو نیست، بلکه جنگ و درگیری خودی‌ها به‌منظور کنار زدن جناح‌های رقیب از غارت هر چه بیشتر اموال عمومی‌ست. این جنگ قدرت‌هاست و طبعاً مردم کمترین نفعی در آن‌ها نداشته و نخواهند داشت و معین است که عاقبت و تداوم چرخه این‌نوع تنش‌ها بر خسران‌های جامعه و بر زندگانی ناچیز کارگران و توده‌های ستمدیده می‌افزاید و بر شانه‌های نسل‌های بعدی سنگینی خواهد کرد.

در یک کلام جنگ سرمایه‌داران، جنگ تخریب و جنگ نابودی و جنگ کنار زدن جناح‌های رقیب است و بنابر این، قدرت‌مداران بزرگ جهانی بی‌جهت و به دروغ، بر طبل مبارزه با سلاح‌های گشتار جمعی و تضمین دمکراسی و منافع مردمی می‌کوبند؛ چرا که کارکردهای روزانه‌شان، در خلاف ادعاهای‌شان قرار دارد، و بر همین اساس و به جرأت می‌توان یک‌بار دیگر بر این نظریه مارکس تأکید ورزید که "انسان‌دوستی سرمایه، ریاکارانه است".

۲۶ سپتامبر ۲۰۱۳

۶ مهر [میزان] ۱۳۹۲